

۱. مقدمه

تا اوایل قرن بیستم، بانکداری اسلامی از یک مفهوم انتزاعی پا را فراتر نهاد. بیشتر آنچه گفته می‌شد و انجام می‌گرفت، تقریباً به صورت نظری باقی ماند. بیشتر تلاش‌ها در آن سال‌های اولیه از طریق ابتکارات شخصی بود. این تلاش‌ها در میان عملیات حجیم و عظیم بانکداری غیراسلامی که بر جهان غالب بود، چندان اهمیتی نداشت. با وجود این، حرکت‌هایی کوچک به صورت طرح‌های بزرگ و وسیع کردار گردید. ابتکارات فردی و خصوصی در زمینه بانکداری اسلامی نمونه عملی خوبی فراهم آورد که بعدها بانکداری بدون ربا بر اساس آن بنیان نهاده شد. در دهه ۱۹۶۰، برخی از بانک‌های اسلامی در مقیاسی کوچک در مصر تأسیس شد که به عنوان بانک‌های اجتماعی روستایی در دلتای نیل عمل می‌کرد (معظم علی، ۱۹۸۵، صص ۲۵-۲۶).

بیشتر بانک‌های اسلامی از

نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ به وجود آمده‌اند. این تغییر و تحول اساساً به دو شکل صورت گرفته است: شکل نخست، تلاش‌هایی در جهت تأسیس مؤسسات مالی اسلامی در کنار بانک‌های سنتی بوده است. در چنین تلاش‌هایی، دو گونه مؤسسه به شرح زیر رشد کرده‌اند:

۱- بانک‌های تجاری اسلامی که بیشتر در کشورهای اسلامی به وجود آمده‌اند.

۲- شرکت‌های سرمایه‌گذاری اسلامی و شرکت‌های سهامی که در برخی از کشورهای اسلامی و بیشتر در کشورهای غیراسلامی مشغول فعالیت هستند.

در هر دو حالت، عملیات بانکی در بانک‌های اسلامی عموماً با توجه به مقررات خاصی صورت می‌گیرد که در همه بانک‌ها وجود دارد. اکثر این مؤسسات توسط بخش خصوصی تأسیس گردیده است. شکل دوم این تلاش‌ها، سعی در تجدید ساختار کل

سیستم مالی اقتصاد به منظور انطباق با قوانین اسلام داشته است. در این راه به دو شیوه عمل شده است:

۱- مؤسسات مالی به شکل اسلامی درآمده‌اند.

۲- اسلامی کردن کل اقتصاد از طریق یک فرایند تدریجی صورت گرفته که از بخش بانکداری آغاز شده است (خان و میرآخور، ۱۹۸۷، صص ۹).

درک عامه از نظام اقتصادی و مالی اسلامی این است که این نظام تنها در تحریم ربا با سایر نظام‌ها تفاوت دارد. از آنجا که حذف بهره عموماً نخستین گام در اسلامی کردن اقتصاد در کشورهای مسلمان بوده است، لذا طبیعی به نظر می‌رسد که نهاد بانکداری بدون بهره بیشترین توجه را به خود معطوف کند. گرچه تحریم معاملات مبتنی بر بهره اساس یک نظام اقتصادی اسلامی را تشکیل می‌دهد، لیکن به هیچ وجه توصیفی کامل و کافی از کل این نظام به دست

© امروزه بانکداری اسلامی دیگر از مفهوم انتزاعی و نظری صرف خود در اوایل قرن بیستم فاصله گرفته و به عنوان یک نهاد مالی پذیرفته شده در سطح بین‌المللی در حال فعالیت است. بانکداری بدون ربا در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز شد و با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲ رسمیت یافت. این قانون با ۲۷ ماده شامل پنج فصل است که فصل دوم آن به تجهیز منابع اختصاص دارد. در این فصل از قانون عملیات بانکی بدون ربا، در سه ماده، از ماده ۳ تا ۶، به نحوه تجهیز منابع توسط بانک‌ها پرداخته شده است. به موجب ماده ۳، دو نوع منبع برای تجهیز منابع بانک‌های بدون ربا در نظر گرفته شده است: سپرده‌های قرض الحسنه و سپرده‌های سرمایه‌گذاری. سپرده‌های قرض الحسنه مشتمل بر دو نوعند: سپرده‌های قرض الحسنه جاری و سپرده‌های قرض الحسنه پس‌انداز. در این مقاله بعد از مرور اجمالی نحوه تجهیز منابع از طریق قرض الحسنه در قانون عملیات بانکی بدون ربا، به بررسی مشکلات سپرده‌های قرض الحسنه در این الگو خواهیم پرداخت. در بررسی انجام‌شده اشکالات مشترک دو نوع سپرده قرض الحسنه و مشکلات اختصاصی هر یک از سپرده‌ها در بانکداری بدون ربا لحاظ شده است. همچنین راهکارهای ارائه‌شده توسط صاحب‌نظران به منظور حل این مشکلات مطرح شده است.

مشکلات و راهکارهای تجهیز منابع از طریق قرض الحسنه در قانون عملیات بانکی بدون ربا



رسول خوانساری
(کارشناس ارشد پژوهشی گروه بانکداری اسلامی پژوهشکده پولی و بانکی، و دانشجوی دکتری مدیریت مالی دانشگاه تهران)



سجاد سيفلو
(دانشجوی دکتری مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز دانشگاه امام صادق)

نمی‌دهد (خان و میرآخور، ۱۳۷۰، ص ۲۷).

در ایران، بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی گام‌هایی در جهت تبدیل سیستم بانکی، ابتدا به وسیله ملی کردن و سپس با یک‌کاسه کردن بانک‌ها برداشته شد (خان و میرآخور، ۱۳۷۰، ص ۴۲). نخستین گام در راه حذف بهره از سیستم بانکی کشور، بر اساس مصوبه سوم دی‌ماه ۱۳۵۸ شورای پول و اعتبار برداشته شد و ضمن کاهش نرخ بهره نام آن در سیستم بانکی به «حداکثر کارمزد دریافتی» و «حداقل سود تضمین‌شده» تغییر یافت. ولی از آنجا که این اقدامات نمی‌توانست نظام حاکم بر بانکداری کشور را از نظر ماهیتی تغییر دهد در اجرای تبصره ۵۴ قانون بودجه سال ۱۳۶۰ دولت مکلف شد از زمان اجرای این قانون برای حذف ربا و اصلاح سیستم بانکی کشور در اسرع وقت مطالعات لازم را انجام و نتایج امر را حداکثر

ظرف شش ماه به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند. بدین ترتیب «قانون عملیاتی بانکی بدون ربا (بهره)» در جلسه علنی روز سه‌شنبه هشتم شهریور ۱۳۶۲ به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ دهم شهریور مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت و برای اجرا به دولت ابلاغ شد.

با اجرای قانون حذف ربا، بانک‌ها می‌توانند به دو طریق از مردم سپرده قبول کنند: الف) سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز و ب) سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار. بانک در به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار از طرف مردم وکیل است و می‌تواند این‌گونه را در قالب عقود اسلامی به کار گیرد (احسانی، ۱۳۸۶، ص ۸۳). در این بررسی مشکلات دو نوع سپرده قرض‌الحسنه در بانکداری بدون ربا مورد مذاقه قرار گرفته است.

۲. سپرده‌های قرض‌الحسنه

قرض‌الحسنه اصطلاحی قرآنی است که در لسان قرآن با تعبیر خاصی از آن به نیکی یاد شده است. برای نمونه در آیه ۲۴۵ سوره بقره آمده است: «کیست که خدا را قرض‌الحسنه دهد تا خدا بر او به چندین برابر بیفزاید؟ و خداست که می‌گیرد و می‌دهد و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند».

شاید مراد از قرض‌الحسنه این باشد که قرض‌دادن از روی اخلاص و خالی از نیات غیرالهی باشد. در این صورت خداوند مال انسان را برکت می‌دهد، به طوری که روایت شده است، ۱۰ الی ۷۰ برابر می‌گرداند و این اختلاف در افزایش سبب اختلاف در نیت و استحقاق منفق علیه و صلاح و علم و قرابت او به مقرض می‌باشد (فرزین‌وش و شعبانی، ۱۳۸۱، ص ۵۰۳).

قرض‌الحسنه از جمله اموری است که از سوی پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) بدان سفارش بسیاری شده است. در حدیثی از رسول خدا (ص) نقل شده است: «کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و او قرض ندهد، خداوند روزی که محسنین را جزا می‌دهد، بهشت را بر او حرام می‌کند» (الحر العاملی، ۱۴۰۳، ص ۸۸).

همچنین از نظر اقتصادی برخی آثار بر قرض‌الحسنه مترتب است که

می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. چون مصرف‌کنندگان معمولاً از آنچه به صورت ذخیره احتیاطی نگه داشته‌اند، قرض می‌دهند این عمل موجب جریان یافتن وجوهی می‌شود که بدون آن نه مصرف می‌شوند، نه سرمایه‌گذاری.

۲. چون این‌گونه وجوه در اختیار سایر مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان قرار می‌گیرد و تقاضای آنان تأمین می‌شود، رفاه کل و تولید کل در اقتصاد بالا می‌رود.

۳. جریان اطلاعات در اقتصاد افزایش می‌یابد، زیرا متقاضیان برای ابراز تقاضا و توجیه آن باید اطلاعات خود را ارائه دهند.

۴. در اثر انتشار و ازدیاد جریان اطلاعات، خطر و نااطمینانی در اقتصاد کاهش می‌یابد.

۵. گسترش قرض‌الحسنه موجب بهبود توزیع درآمد میان قشرهای مختلف می‌شود.

۶. کارایی اقتصادی بالا می‌رود.

یکی از آثار

اقتصادی مترتب

بر قرض‌الحسنه

این است که

جریان اطلاعات

در اقتصاد

افزایش می‌یابد،

زیرا متقاضیان

برای ابراز تقاضا

و توجیه آن باید

اطلاعات خود را

ارائه دهند

۷. بالاخره به دنبال آثار فوق، گسترش خدمت قرض‌الحسنه می‌تواند از شدت تورم و رکود جلوگیری کند (صدر، ۱۳۷۴، ص ۱۳۲-۱۳۳).

علی‌رغم تفاوت بین قرض و قرض‌الحسنه، به لحاظ فقهی و حقوقی هر دو دارای آثار یکسانی هستند و تفاوتی در احکام بین آنها وجود ندارد.

۱-۲. سپرده قرض‌الحسنه

جاری

حساب جاری در عملیات بانکداری بدون ربا ایران، ماهیت قرض دارد و مثل حساب جاری در بانک‌های متعارف است و همانند آنها خدمات حساب جاری را در اختیار صاحب حساب قرار می‌دهد و به موجودی این‌گونه حساب‌ها هیچ سودی تعلق نمی‌گیرد. استفاده از حساب جاری، افزون بر حفظ پول در بانک، موجب تسهیل پرداخت‌ها و بی‌نیازی صاحب حساب از حمل و نگهداری وجوه نقد می‌شود.

وجوه فراهم‌شده از ناحیه این حساب‌ها مطابق ماهیت عقد قرض به مالکیت بانک‌ها در آمده، جزء منابع بانک خواهد بود. بانک‌ها می‌توانند با رعایت ذخایر قانونی و ذخایر احتیاطی، باقیمانده این‌گونه را از طریق عقود مندرج در ماده ۳ به کار گرفته، سود کسب کنند (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۴۳۸).

این حساب از نظر ماهیت حقوقی و کیفیت عمل، همانند سپرده‌های دیداری در بانکداری متعارف است. اشخاص حقیقی و حقوقی با افتتاح حساب جاری، وجوه مازاد بر نیاز خود را به بانک تحویل داده، دسته چک می‌گیرند تا در زمان مناسب با استفاده از خدمات حساب جاری در مبادلات پولی خود از آن استفاده کنند و از آنجا که انگیزه سپرده‌گذاران این حساب حفظ و نگهداری وجوه و تسهیل در مبادلات پولی از طریق خدمات بانکی است، به‌کارگیری واژه «قرض‌الحسنه» درست نیست. گویا اطلاق این واژه بر این حساب‌ها از این‌پندار نادرست سرچشمه می‌گیرد که هر قرض بدون بهره‌ای قرض‌الحسنه است، در حالی که درست نیست. مطابق مضمون آیات و روایات، قرض‌الحسنه هنگامی معنا می‌یابد که قرض‌دهنده برای کسب

آن بهره تعلق می‌گیرد. در بانکداری بدون ربا، پرداخت بهره ممنوع است ولی برای تشویق سپرده‌گذاران جوایزی در نظر می‌گیرند. این جوایز که بدون شرط و تعهد قبلی پرداخت می‌شود، به صورت نقدی و جنسی است و از طریق قرعه بین صاحبان حساب توزیع می‌شود (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۴۴۰).

۳. مشکلات تجهیز منابع از طریق قرض الحسنه

برای جذب سپرده‌ها و نقدینگی در اقتصاد نیاز به ابزار و انگیزه برای سپرده‌گذار است. در سیستم بانکداری ربوی بهره ابزاری برای کنترل و جذب سپرده‌گذار است. همچنین در هنگام نیاز به سرمایه‌گذاری در اقتصاد با کاهش نرخ بهره تسهیلات، انگیزه و تقاضا برای وام و سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهند. ولی در سیستم بانکداری بدون ربا فقدان اهرم کافی برای جذب سپرده‌ها به چشم می‌خورد. در بانکداری ربوی، نرخ بهره از پیش تعیین شده، صاحبان وجوه را به ویژه در جوامعی که ربا ممنوع نیست، به سوی بانک می‌کشاند. اگر بانک به پول بیشتری نیاز داشته باشد، نرخ بهره سپرده‌های بانکی را افزایش می‌دهد و هرگاه احساس کند نیاز به پول کمتری دارد، نرخ بهره سپرده‌ها را کاهش می‌دهد. در جهت اعطای تسهیلات نیز هرگاه بخواهد تقاضای مردم را افزایش دهد، نرخ بهره وام را کاهش می‌دهد و هرگاه بخواهد تقاضا را کاهش دهد، نرخ بهره وام را افزایش می‌دهد.

همان‌طور که گفته شد در بانکداری بدون ربا، بانک دو نوع وجوه مالی دریافت می‌کند، یکی قرض‌الحسنه و دیگری سپرده سرمایه‌گذاری است. در مورد پس‌انداز قرض‌الحسنه مهم‌ترین انگیزه باید انگیزه معنوی باشد. وجود و قوت این انگیزه در جامعه به روحیه معنوی و نوع‌دوستی مردم باز می‌شود. اگر این روحیه در مردم قوی باشد، رقم پس‌انداز افزایش می‌یابد و اگر ضعیف باشد این رقم کاهش می‌یابد.

اهرم دیگر جذب پس‌انداز، جوایز بانکی است ولی این اهرم در بانکداری ربوی نیز وجود دارد. بنابراین، بانکداری ربوی از یک اهرم مادی قوی در جذب پس‌انداز برخوردار است که در بانکداری بدون ربا وجود



اگر قرض دهنده با اغراض دیگری چون حفظ پول، تسهیل در معاملات، نقل و انتقال وجوه و غیره مبلغی را به بانک یا غیر آن قرض دهد، گرچه قرض بدون بهره مجاز و مشروع است، بر آن عنوان قرض الحسنه صدق نمی‌کند

باشد به بانک بسپارند و هرگاه نیاز داشتند، از بانک دریافت کنند. افزون بر آن، صاحبان این حساب‌ها در امر قرض‌الحسنه اعطایی از طرف بانک مشارکت کرده و از اجر و ثواب آخرتی آن نیز بهره‌مند می‌شوند. وجوه این حساب نیز به مالکیت بانک درآمده، جزء منابع بانک خواهد بود و بانک‌ها با لحاظ ذخایر قانونی و احتیاطی، بخشی از این وجوه را به اعطای وام قرض‌الحسنه اختصاص داده، بخش دیگر را از طریق عقود مندرج در ماده ۳ به کار گرفته و سود کسب می‌کنند (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۴۳۹).

پاداش معنوی به فرد نیازمندی کمک کرده، به او قرض بدون بهره می‌دهد؛ بنابراین اگر قرض‌دهنده با اغراض دیگری چون حفظ پول، تسهیل در معاملات، نقل و انتقال وجوه و غیره مبلغی را به بانک یا غیر آن قرض دهد، گرچه قرض بدون بهره بوده و از نظر اسلام مجاز و مشروع است، بر آن عنوان قرض‌الحسنه صدق نمی‌کند و چنانکه گفته شد بیشتر سپرده‌گذاران در حساب‌های جاری با چنین اغراضی سپرده‌گذاری نمی‌کنند (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۴۴۰).

۲-۲. سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز

حساب پس‌انداز نیز ماهیت قرض دارد و همانند حساب پس‌انداز در بانکداری متعارف است با این تفاوت که در بانکداری بدون ربا، به صاحبان حساب پس‌انداز، بهره‌ای پرداخت نمی‌شود. حساب مذکور این امکان را به مردم می‌دهد که وجوه مازاد بر نیاز خود را به هر میزانی

حساب‌های پس‌انداز، از سپرده‌های رایج نظام‌های بانکی هستند و دارای این ویژگی‌اند که اشخاص حقیقی و گاه حقوقی، مازاد وجوه خود را برای مدت نامعین به چنین حسابی واریز کرده، در قبال آن دفترچه پس‌انداز می‌گیرند تا در هنگام نیاز، وجوه مذکور را دریافت کنند. ماهیت چنین سپرده‌ای قرض است و در بانک‌های سنتی به طور عموم به

ندارد؛ البته اگر در جامعه در زمینه انگیزه‌های معنوی و مردم‌دوستی تبلیغ لازم انجام شود، به علاوه برای جبران کاهش ارزش پول در صورت وجود تورم، اقدام اساسی صورت گیرد یا جلوی کاهش ارزش پول گرفته شود تا حدود زیادی این نقص جبران می‌شود.

در مورد سپرده‌های سرمایه‌گذاری، بانکداری بدون ربا از اهرم سود انتظاری یا علی‌الحساب استفاده می‌کند. این اهرم تا حدودی مؤثر است، به خصوص در صورت نبودن بانک ربوی رقیب. ولی در مقایسه با بانکداری ربوی این اهرم کارایی سود قطعی بانک ربوی را ندارد مگر آنکه همواره نرخ سود انتظاری یا علی‌الحساب بالاتر از نرخ بهره متعارف باشد که چنین چیزی شاید ممکن نباشد.

نکته مهم دیگر فقدان اهرم کافی برای جذب سپرده‌های حساب جاری در بانکداری بدون ریاست، زیرا با تحریم ربا نمی‌توان به این گونه سپرده‌ها بهره پرداخت، حال آنکه در بانکداری ربوی می‌توان بر این نوع سپرده‌ها نیز بهره افزود (میرجلیلی، ۱۳۷۴، ص ص ۱۶۰-۱۶۱).

۱-۳. اشکال‌های مشترک بین دو نوع سپرده قرض‌الحسنه

اشکال‌های زیر بر استفاده از قرارداد قرض‌الحسنه در سپرده پس‌انداز و سپرده جاری به صورتی که در قانون عملیات بانکداری بدون ربا آمده و عمل می‌شود وارد است:

۱. عدم تناسب عنوان قرض‌الحسنه با این نوع سپرده‌ها
عنوان قرض‌الحسنه که در بند الف ماده ۳ آمده است برای یک بانک بازرگانی قابل پذیرش نیست. بانک بازرگانی نباید مجاز به پذیرش سپرده مردم تحت عنوان قرض‌الحسنه باشد. این عنوان درخور صندوق‌هایی است که با هدف‌های نیکوکارانه تشکیل می‌شوند. حجم عملیات این صندوق‌ها غالباً در مقایسه با بانک‌ها ناچیز است و پول‌هایی که از اشخاص نیکوکار تحت عنوان سپرده بی‌بهره دریافت می‌کنند به آنها امکان می‌دهد وام‌های کوچک بی‌بهره برای برطرف کردن گرفتاری‌های نیازمندان بدهند. این صندوق‌ها نمی‌توانند جایگزین بانک‌های بازرگانی که دارای توانایی‌های لازم برای جذب

در بانکداری عرفی پذیرفته شده است نمی‌توان از مصادیق قرض‌الحسنه دانست (کاشانی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۰).

۲. ذهنیت اشتباه مردم، کارگزاران بانک، مسئولان نظام بانکی، دولت و مجلس نسبت به بانک وارد کردن قرارداد قرض‌الحسنه در سپرده‌های جاری و پس‌انداز، با توجه به بار ارزشی این قرارداد، باعث شده ذهنیت مردم، کارگزاران بانک، مسئولان نظام بانکی، دولت و مجلس نسبت به بانک که بنا به تعریف، یک بنگاه تمام عیار اقتصادی است، تغییر کرده و بانک را مؤسسه خیریه‌ای تصور کنند که جوابگوی اقشار آسیب‌پذیر و ابزار کار دولت و مجلس در مواقع بروز حواث غیرمترقبه چون سیل، زلزله و غیره است. شاهد روشن این مدعا وجود تسهیلات تکلیفی در قانون بودجه سالانه است که همه ساله توسط دولت ارائه شده و به وسیله مجلس تصویب می‌شود (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۴۴۱).

۳. کاهش ارزش پول در طول زمان و عدم پرداخت سود به این سپرده‌ها

یکی از ویژگی‌های بازار اقتصاد در برخی کشورهای در حال توسعه، وجود نرخ تورم‌های دو رقمی در مقاطع زمانی بلندمدت است و این موجب پایین‌آمدن ارزش پول و پدیدار شدن مشکلات حقوقی و اقتصادی پیچیده‌ای در معاملات مدت‌دار و بدهی‌های معوقه می‌شود. فروشنده‌ای که اجناس خود را به صورت نسیه فروخته بود، اکنون می‌بیند به دلیل تورم، همان جنس را با همان قیمت نمی‌تواند از عمده‌فروش خریداری کند. طلبکاری که به جهات گوناگون چون اختلاف حقوقی، امتناع بدهکار از پرداخت، ناتوانی بدهکار برای مدت زمان طولانی نتوانسته طلب خود را وصول کند، متوجه می‌شود مبلغ اسمی قابل دریافت در مقابل ارزش واقعی طلب، تفاوت فاحش دارد.

سپرده‌گذارانی که به امید دست‌یافتن به سود در حساب‌های سپرده بلندمدت پنج ساله، سرمایه‌گذاری کرده بودند، متوجه می‌شوند نه تنها سودی نبرده‌اند بلکه بعد از پنج سال قادر به دریافت ارزش واقعی اصل سپرده‌شان نیستند. بانک‌هایی که با سود مشخص، تسهیلات بلندمدت بیست ساله اعطا

کرده‌اند در شرایط تورمی احساس می‌کنند نه تنها سودی به دست نمی‌آورند بلکه روز به روز ارزش سرمایه خود را از دست می‌دهند.

وجود ده‌ها بلکه صدها مثال از این قبیل باعث شده حقوق‌دانان دنیا به ویژه فقها و حقوق‌دانان مسلمان به دنبال پیدا کردن راه حل منطقی و مناسب باشند و این موجب پیداشدن نظریه‌های مختلف در این عرصه شده است.

در این قسمت برای توجه بیش‌تر به اهمیت جبران کاهش ارزش پول، به برخی مشکلات در روابط اقتصادی مردم، در دیون نقدی و نظام بانکداری اسلامی، در وضعیت عدم جبران کاهش شدید ارزش پول، و کامیابی‌های آن در صورت جبران کاهش ارزش پول اشاره‌ای کوتاه خواهیم داشت.

۱. هنگامی که تورم، شدید باشد و معیار محاسبه سود سپرده‌های بانکی، ارزش حقیقی آنها نباشد، حجم سپرده‌ها کاهش می‌یابد؛ در نتیجه سرمایه‌گذاری کاهش یافته و در پی آن، تولیدهای ملی سیر کاهنده در پیش خواهد گرفت. هنگامی که سپرده‌گذار قرض‌الحسنه به قصد خیرخواهی رضای خدا و برای کمک به نیازمندان، تمام هزینه فرصت سرمایه نقدی خود را که حاصل مدت‌ها دسترنج او است، متحمل می‌شود، انتظار دارد اصل سرمایه نقدی وی آسیبی نبیند؛ ولی وقتی پیش‌بینی کند یا پیش‌تر تجربه کرده باشد که با این اقدام، اصل سرمایه نقدی وی با خسارت مواجه می‌شود، در تصمیم خود تجدید نظر می‌کند؛ زیرا در تورم شدید، بخش درخور توجهی از ارزش حقیقی سرمایه نقدی سپرده قرض‌الحسنه به ناگزیر به قرض‌گیرنده منتقل می‌شود؛ بنابراین، سپرده‌گذار قرض‌الحسنه با دو هزینه روبه‌رو است؛ هم متحمل هزینه فرصت می‌شود و هم بخشی از ارزش حقیقی سرمایه نقدی خود را از دست می‌دهد. تردیدی نیست که در چنین وضعی، میزان سپرده‌های قرض‌الحسنه در سطح ملی کاهش می‌یابد.

۲. به صورت نتیجه مشکل اول، بیان می‌شود که در چنین وضعی، سرمایه‌گذاری و تولید، کاهش خواهد یافت. پس‌انداز، عامل اصلی سرمایه‌گذاری و تولید است.

**به‌کارگیری قرارداد
قرض الحسنه
در سپرده‌ها
باعث شده
است که بانک‌ها
نتوانند سودی
به سپرده‌گذاران
بپردازند؛ چرا که به
فتوای مشهور فقها،
از جمله حضرت
امام خمینی (ره)،
اشتراک هر نوع
زیاده و بنا گذاشتن
بر هر نوع زیاده
در قرارداد قرض،
هر چند برای جبران
کاهش ارزش پول،
ربا به حساب
می‌آید**

هنگامی که پس‌انداز کاهش یابد، به‌یقین اگر موانع جدی دیگری وجود نداشته باشد، سرمایه‌گذاری و تولید افزایش می‌یابد؛ بنابراین اگر بر پایه مطلب شماره پیشین بپذیریم که در سپرده‌های قرض الحسنه، معیار بازپرداخت اصل سرمایه نقدی، قدرت خرید حقیقی باشد، میزان سپرده‌های قرض الحسنه و سرمایه‌گذاری فزونی می‌یابد و در پی آن، سرمایه‌گذاری و تولید افزایش خواهد یافت.

۳. هنگامی که ارزش پول کاهش یابد و معیار بازپرداخت سپرده‌ها، ارزش اسمی پول باشد، توزیع ثروت در جامعه به‌شدت به زیان سپرده‌گذاران خواهد بود. در این وضع، افراد متوسط جامعه که دارای پس‌اندازهای اندک هستند و نمی‌توانند با آن پس‌اندازها، کالای بادوامی را بخرند که ارزش اندک پس‌اندازشان حفظ شود، خسارت بیش‌تری می‌بینند. افرادی که دارای پس‌اندازهای هنگفت هستند، پس‌اندازهای خود را در بخش خرید زمین، مسکن، ساختمان‌سازی به کار می‌گیرند یا دست‌کم پس‌انداز خود را به‌صورت سپرده سرمایه‌گذاری و خرید زمین و غیره توزیع می‌کنند؛ بنابراین در چنین حالتی، صاحبان پس‌اندازهای اندک بیش از افراد دارای پس‌اندازهای فراوان، متضرر خواهند شد. در عوض، افرادی که می‌توانند این سپرده‌ها را در بخش واسطه‌گری به کار گیرند، توزیع ثروت در جامعه به نفع آنها تمام خواهد شد (یوسفی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۵).

به‌کارگیری قرارداد قرض الحسنه

در سپرده‌ها باعث شده است که بانک‌ها نتوانند سودی به سپرده‌گذاران بپردازند؛ چرا که به فتوای مشهور فقها، از جمله حضرت امام خمینی (ره)، اشتراط هر نوع زیاده و بنا گذاشتن بر هر نوع زیاده در قرارداد قرض، هر چند برای جبران کاهش ارزش پول، ربا به حساب می‌آید. در حالی که طی سالیان گذشته نرخ متوسط تورم حدود ۲۰ درصد بوده است؛ یعنی صاحبان سپرده پس‌انداز نه تنها نتوانسته‌اند درآمدی از محل سپرده‌شان به دست آورند، بلکه به طور متوسط سالانه ۲۰ درصد از توان خریدشان را نیز از دست داده‌اند. این در حالی است که بانک‌ها با به‌کارگیری مانده این سپرده‌ها سود خوبی به دست می‌آورند و توان پرداخت بخشی از آن را به سپرده‌گذاران ندارند (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۴۴۱).

۲-۳. مشکلات سپرده قرض الحسنه پس‌انداز

درباره سپرده‌های جاری که شباهت و هم‌خوانی زیادی با سپرده‌های جاری در بانکداری ربوی دارند، اشکالی مختص این نوع حساب‌ها از سوی متخصصان و صاحب‌نظران عنوان نشده است. ولی در خصوص سپرده قرض الحسنه پس‌انداز اشکال زیر وجود دارد.

۳-۳. اشکال‌های ناظر بر قرعه‌کشی و جوایز حساب‌های سپرده قرض الحسنه پس‌انداز

تجربه بیست‌ساله بانکداری اسلامی نشان می‌دهد که بانک‌ها، مانده سپرده‌های پس‌انداز را پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی، در زمینه‌های سودآور سرمایه‌گذاری می‌کنند و سود حاصل شده را به عنوان سود منابع بانکی، تملک می‌کنند (با این باور که قرارداد بین سپرده‌گذار و بانک، قرارداد قرض الحسنه است و منابع بعد از سپرده‌گذاری به مالکیت بانک در می‌آید)، سپس برای تشویق سپرده‌گذاران، از طریق قرعه‌کشی، بخشی از آن سود را به‌عنوان جوایز بانک به بعضی از سپرده‌گذاران می‌پردازند. این امر پیامدهای منفی زیادی دارد، از جمله:

• اول اینکه، گرچه سود حاصل از نظر حقوقی متعلق به بانک است، ولی در واقع حاصل کارکرد منابع

سپرده‌گذاران و متعلق به همه آنهاست. از این‌رو، اعطای بخشی از سود حاصل به گروه اندکی از صاحبان حساب پس‌انداز، آن هم از طریق قرعه، عادلانه به نظر نمی‌رسد.

• دوم اینکه، تقسیم سود حاصل از پس‌انداز به صورت قرعه‌کشی و اعطای جوایز فریبنده و تبلیغات وسیع از طریق رادیو، تلویزیون، روزنامه و غیره، افزون بر تحمیل هزینه سنگین تبلیغات، بانک را از سطح یک مؤسسه مهم اقتصادی فرو کاسته، در ردیف مؤسسات بخت‌آزمایی قرار می‌دهد.

• سوم اینکه، اعطای جوایز و تبلیغات وسیع باعث می‌شود که سپرده‌های پس‌انداز ثبات خود را از دست بدهند. مطالعه‌های تجربی نشان می‌دهند که بسیاری از سپرده‌گذاران در پی هر قرعه‌کشی منابع خود را از بانکی به بانک دیگر منتقل می‌کنند، بنابراین روشن است که با از بین رفتن ثبات سپرده‌ها، برنامه‌ریزی برای استفاده از مانده آنها مشکل می‌شود (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۴۴۱) و کار مدیریت نقدینگی در بانک‌ها را دشوارتر می‌سازد.

• برخی علما دریافت جایزه از بانک‌ها را جایز نمی‌دانند. با افزودن نظریه شروط ضمنی و ارتکازی (مبنی بر دریافت جایزه) و نظریه اراده باطنی در تکوین و انعقاد عقد به این مسأله، عدم جواز قرعه‌کشی برای سپرده‌های قرض الحسنه، به‌شدت قوت می‌گیرد.

• دریافت کارمزد گرچه از دیدگاه برخی مراجع مجاز است، ولی گروهی دیگر با توجه به ماهیت قرارداد بین بانک و قرض‌گیرنده، در آن شبهه می‌کنند.

۴. راهکارها

از سوی صاحب‌نظران برای حل این مشکلات راهکارهایی ارائه شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱-۴. استفاده از رابطه حقوقی وکالت به جای قرض در پس‌انداز قرض الحسنه

افراد می‌توانند به‌جای استفاده از رابطه حقوقی قرض در سپرده‌های قرض الحسنه و تملیک منابع مالی خود به بانک، از رابطه وکالت استفاده کنند. به این صورت که افراد منابع خود را در اختیار بانک قرار می‌دهند و بانک از طرف آنها وکیل است



این پول‌ها را فقط برای وام‌های قرض‌الحسنه به کار گیرد. با این رابطه حقوقی دیگر بانک نمی‌تواند این منابع را در جاهای دیگر به کار برد و درآمد کسب کند و می‌بایست آنها را در قرض‌الحسنه استفاده کند. مشکل این راهکار آن است که در صورتی که بانک بخواهد با استفاده از فعالیت‌های اقتصادی سودآور درآمد بیشتری برای اهداف خیرخواهانه و اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه بیشتر به نیازمندان، کسب کند، از سوی صاحبان وجوه چنین اجازه‌ای را ندارد.

۲-۴. الگوی جدید سپرده‌ها در بانکداری بدون ربا

در این الگوی پیشنهادی، حساب پس‌انداز از حساب قرض‌الحسنه تفکیک می‌شود و به جای «حساب قرض‌الحسنه پس‌انداز» دو حساب «سپرده قرض‌الحسنه» و «سپرده پس‌انداز با سود ثابت» معرفی می‌شوند. «سپرده قرض‌الحسنه» شبیه «سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز» کنونی است، با این تفاوت که اولاً بانک ملزم می‌شود تمام منابع تجهیز شده در این حساب را پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی با دریافت کارمزد واقعی به نیازمندان وام قرض‌الحسنه بپردازد. ثانیاً به دلیل اینکه بانک نمی‌تواند منابع ارزان این حساب را به صورت تسهیلات سودآور به متقاضیان بپردازد، نیازی به تبلیغات گسترده و پرهزینه و اعطای جوایز غیرمتعارف برای تشویق سپرده‌گذاران ندارد؛ بلکه با تبلیغات محدود و متعارف جوایزی معمول بین

سپرده‌گذاران توزیع می‌کند. بدین ترتیب، برخی اشکالات مطرح شده تا حد فراوانی مرتفع می‌شود. نخست اینکه انگیزه و نیت سپرده‌گذاران در این حساب، خالص‌تر می‌شود و دوم اینکه تمایل سپرده‌گذاران حرفه‌ای کاهش می‌یابد و منابع این حساب ثبات بیشتری خواهد داشت؛ ولی درباره «سپرده پس‌انداز با سود ثابت» در بانکداری متعارف، سپرده‌ای به نام سپرده پس‌انداز وجود دارد که مردم، وجوه مازاد بر نیاز خود را در آن نگه می‌دارند و هنگام نیاز، به بانک مراجعه کرده، بخشی یا تمام اندوخته خود را مطالبه می‌کنند. انگیزه اصلی مردم از افتتاح این حساب، حفظ و نگهداری پول است، ولی در پی کسب درآمد نیز هستند. بانک‌ها با اعطای بهره، مردم را به سپرده‌گذاری تشویق می‌کنند. در بانکداری بدون ربا جای این حساب خالی است و حساب پس‌انداز قرض‌الحسنه به دلیل نداشتن سود نمی‌تواند جایگزین مناسبی باشد و از طرفی اعطای جوایز به صورت قرعه‌کشی نمی‌تواند مشوق مؤثری به شمار آید. با استفاده از عقود شرعی می‌توان سپرده پس‌انداز با سود مشخص و ثابتی طراحی و جایگزین سپرده پس‌انداز بانکداری متعارف کرد. بدین ترتیب، افراد با مراجعه به بانک، بخشی از وجوه مازاد بر نیاز خود را به صورت عقد وکالت در بانک، سپرده‌گذاری می‌کنند و به بانک وکالت می‌دهند، وجوه آنان را به همراه دیگر وجوه حاصل از سپرده پس‌انداز (به صورت مشاع) فقط از طریق عقود با بازده ثابت (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک،

خرید دین، مراهجه و استصناع) به جریان انداخته، سود مشخص و ثابتی را برایشان به دست آورد (عرب مازار و کیقبادی، ۱۳۸۵).

۳-۴. طراحی اوراق قرض‌الحسنه

در این حالت، مؤسسه در برابر پولی که از قرض‌دهندگان در جایگاه وکیل آنان می‌گیرد، این اوراق را به صورت رسید، به آنان می‌دهد. سه نوع اوراق قرض‌الحسنه متصور است: الف) اوراق قرض‌الحسنه موقت: اوراق قرض‌الحسنه ممکن است به صورت شش ماهه، یک ساله، دوساله و غیره صادر شود. کسی که این اوراق را دریافت می‌کند، به مؤسسه وکالت می‌دهد از چاهی که داده، به مدت مذکور در آن اوراق، در قرض‌الحسنه استفاده کند. دارنده این اوراق در پایان مدت مورد نظر می‌تواند با تحویل ورقه، وجه خود را باز پس گیرد و پیش از آن، حق اخذ وجه خود را ندارد. در صورتی که قرض‌دهنده پیش از موعد، به پول خود نیاز داشته باشد، می‌تواند آن را در بازار ثانویه بفروشد. در حقیقت با این کار، ثواب قرض به دیگری منتقل می‌شود. لازم به ذکر است اگر قرار باشد این اوراق به صرف (بالتر از قیمت اسمی) فروخته شود، ربا محسوب می‌شود و اگر قرار باشد این اوراق به کسر (پایین‌تر از قیمت اسمی) فروخته شود، هرچند از طرف فروشنده، از باب بیع دین اشکال ندارد ولی در معاملات بعدی که امکان دارد اوراق به قیمت بالاتری نسبت به معامله اول فروخته شود، باز شبیه ربا پیش می‌آید، مگر اینکه با قرار دادن شرطی از فروش اوراق به

مبلغ بالاتر از قیمتی که قبلاً پرداخت شده جلوگیری شود تا از این طریق فقط انگیزه ثواب در این اوراق وجود داشته باشد. بنابراین می‌توان گفت این اوراق در بازار ثانویه تنها به قیمت اسمی قابل فروش است.

ب) اوراق قرض‌الحسنه دائم: قید دوام در این اوراق بدان معناست که دریافت‌کننده این اوراق، پول خود را تا ابد به قرض‌الحسنه اختصاص می‌دهد و به مؤسسه وکالت تام و دائم می‌دهد که این پول را از ناحیه او به نیازمندان قرض‌الحسنه دهد.

ج) اوراق سرمایه‌گذاری قرض‌الحسنه: دارنده این اوراق، به مؤسسه وکالت می‌دهد که پول او را در فعالیت‌های سودآور اقتصادی سرمایه‌گذاری، و سود آن را صرف قرض‌الحسنه دادن به نیازمندان کند (میرمعزی، ۱۳۸۲، صص ۳۶۳-۳۶۲).

۴-۴. حذف قرض‌الحسنه از نظام بانکی کشور

بانک‌های متعارف در استمرار فعالیت صرافان با ارائه خدمات نوین برای نیل به اهداف انتفاعی تأسیس شدند و گسترش یافتند. بانک‌های اسلامی نیز ماهیت همان بانک‌های متعارف را دارند که به عنوان یک نهاد تجاری، بیشینه‌سازی سود را در نظر گرفته‌اند ولی تلاش می‌کنند فعالیت‌هایشان به ربا و سایر محرّمات اسلامی آلوده نشود.

قرض‌الحسنه نهادی است که از نظر ارتکاز عرفی و مبانی شرعی اشتراط هرگونه انتفاع (حقیقی و حکمی) با ماهیت آن ناسازگار است و چون بانک‌ها نمی‌توانند بدون توجه به

سود صرف برای اهداف اجتماعی هزینه کنند، وجود نهاد قرض‌الحسنه در زمره فعالیت‌های بانک‌های اسلامی، موجب سوء استفاده از نهاد قرض‌الحسنه می‌شود و انحراف در فعالیت‌های اقتصادی جامعه و تداخل بین وظایف نهادهای نظام اقتصادی را به دنبال دارد.

بنابراین پیشنهاد دیگر آن است که قرارداد قرض‌الحسنه به طور کامل از شبکه بانکی کشور جدا شود و نهاد مستقلی این وظیفه را به عهده بگیرد تا بانک‌ها نیز فقط در راستای اهداف متناسب با ماهیت خود فعالیت کنند و به دلیل بی‌توجهی به اهداف اجتماعی، بازخواست نشوند و نهاد قرض‌الحسنه نیز بتواند جایگاه حقیقی خویش را در نظام اقتصادی جامعه بیابد (حبیبیان نقیب، ۱۳۸۲، ص ۳۳۷).

پیشنهاد آن است که قرارداد قرض‌الحسنه به طور کامل از شبکه بانکی کشور جدا شود و نهاد مستقلی این وظیفه را به عهده بگیرد تا بانک‌ها نیز فقط در راستای اهداف متناسب با ماهیت خود فعالیت کنند و به دلیل بی‌توجهی به اهداف اجتماعی، بازخواست نشوند و نهاد قرض‌الحسنه نیز بتواند جایگاه حقیقی خویش را در نظام اقتصادی جامعه بیابد

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

قرض‌الحسنه، نهاد سنتی و معنوی است که قابلیت‌های مفیدی از نظر اقتصادی دارد. نحوه به‌کارگیری این نهاد اسلامی در اقتصاد و قالب‌های اجرایی آن در تقویت و یا تضعیف آن بسیار مهم است. قانون عملیات بانکی بدون ربا نوعی از کاربرد قرض‌الحسنه در پیشبرد اهداف و به‌کارگیری اقتصادی آن است. تمام اشکالات مذکور، بیانگر آن است که انتخاب قرارداد قرض‌الحسنه به صورت قرارداد جایگزین قرض با بهره برای سپرده پس‌انداز، انتخاب درستی نیست و با روح قرارداد قرض‌الحسنه که قراردادی خیرخواهانه است و با روح صنعت بانکداری که بنگاهی تجاری است و اهداف و انگیزه‌های سپرده‌گذاران، تناسب ندارد. با توجه به این مشکلات بجاست که راهکاری برای خروج از وضعیت موجود اندیشیده شود.

برخی راهکارها که از سوی صاحب‌نظران حوزه بانکداری اسلامی برای ساماندهی به وضعیت قرض‌الحسنه در بانکداری بدون ربا ارائه شده است، به شیوه‌ای شایسته توان حل مشکلات پیش‌روی قرض‌الحسنه را دارد. همچنین توجه به این نکته بسیار مناسب است که راهکارهای ارائه شده به‌گونه‌ای است که در تعارض با هم نیستند و امکان استفاده همزمان از تمام گزینه‌های مطرح شده برای بهره‌گیری بیش‌تر از قابلیت‌های قرض‌الحسنه به آسانی و راحتی وجود دارد. ●

پی‌نوشت‌ها:

1. Rural Social Banks

۲- من ذا الذي يقرض الله قرصاً حسناً فيضاعفه له أضعافاً كثيرة و الله يقبض و يبسط و إليه ترجعون

۳- من شكا إليه أخوه المسلم فلم يقرضه حرم الله عزوجل عليه الجنة يوم يجزي المحسنين.

۴- سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در به‌کار گرفتن آنها وکیل است، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۵- مسأله جریان کاهش ارزش پول نزد فقها دارای اهمیت ویژه‌ای است. در مجموع، نظریه‌های موجود در این باب به پنج دسته قابل تقسیم هستند:

- گروه اول، جریان کاهش ارزش پول را مطلقاً از مصادیق ربا ندانسته، به لزوم جریان قائل شده‌اند.
- گروه دوم، جریان کاهش ارزش پول را مطلقاً از مصادیق ربا و حرام می‌دانند.
- گروه سوم، بین موارد شدید و خفیف تورم و موارد غصب و غیرغصب و... تفصیل داده‌اند.
- گروه چهارم که در تشخیص حکم تردید داشته‌اند، به مصالحه حکم کرده‌اند، و سرانجام گروه پنجم برای جریان ضرر و زیان وارد بر طلبکار، راهکارهایی را ارائه کرده‌اند (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۴).

تلاش‌های علمی زیادی در فراهم آوردن جوابی قانع‌کننده و فراگیر در خصوص جریان کاهش ارزش پول صورت گرفته است ولی به نظر می‌رسد هنوز نتوانسته نظریه منسجمی که بتواند تمام محققین اسلامی را متفق‌القول کند فراهم کند.

دکتر میثم موسایی فصل پنجم کتاب خود را به بررسی ادله جریان کاهش ارزش پول اختصاص داده است. ایشان در این کتاب یازده دلیل بر لزوم جریان کاهش قدرت خرید ارائه داده‌اند که به قرار زیر می‌باشند:

- عرف، قدرت خرید پول را در تغییرات فاحش، جزء اوصاف مثل می‌دانند، در این صورت، عرف و سیره عقلاً به بازپرداخت مثل که بهای کمتری از آنچه نخست گرفته است دارد، بسنده نمی‌کند.
- هر گونه قرضی که به نفع و بهره منجر شود ربا نیست. پرداخت جریان کاهش ارزش پول در قرض نفع شمرده نمی‌شود، بنابراین ربا نیست، زیرا با فرض برابری مالیت و ارزش، بهره‌ای در کار نیست.
- ربا هرگونه «دریافت و پرداخت واقعی در معاملات و قرض با شرط قبلی» است، جریان کاهش ارزش پول در معاملات و قرض، مصداق زیادی واقعی نیست، لذا موضوعاً از مصادیق ربا شمرده نمی‌شود.
- قواعد حفظ مالکیت افراد در اسلام با عدم جریان کاهش ارزش پول در دیون سازگار نیست.
- در یک نگرش سیستمی، عدم جریان کاهش ارزش پول با فلسفه‌های تحریم ربا سازگاری ندارد.
- عدم جریان کاهش ارزش پول در دیون مدت‌دار، با قبول ملاک ظلم و انظلام برای تحریم ربا سازگار نیست.
- کاهش ارزش پول در دیون مصداق تلف کردن اموال دیگران است و تلف‌کننده ضامن است، بنابراین، کاهش ارزش پول باید جبران شود.
- در صورت کاهش ارزش پول در معاملات مدت‌دار، به صورت شرط ضمنی حق فسخ برای بستانکار ثابت است و باید ضرر او جبران شود.
- قیمی شدن پول در طول زمان، مستلزم جریان کاهش قدرت خرید آن در بدهی‌ها است.

- عدم جبران کاهش ارزش پول در دیون، با اصل حاکمیت عدالت بر کلیه مبادلات مغایرت دارد.
- عدم جبران کاهش ارزش پول در مبادلات مدت‌دار، باعث ضرر و زیان به بستانکار می‌شود، از این رو طبق اصل لاضرر، جبران ضرر لازم است.

نویسنده کتاب ربا و تورم مسئله کاهش ارزش پول را به طور مفصل بحث کرده است و ایشان برای معیار بودن قدرت خرید اسمی پول هشت دلیل آورده و نقد و بررسی کرده است. همچنین برای معیار بودن قدرت خرید حقیقی پول نیز بیست دلیل اقامه کرده است (موسایی، ۱۳۸۲).

همان‌طور که گذشت مسئله جبران کاهش ارزش پول سوآلی بی جواب است ولی باید توجه کرد که این مسئله فقط در خصوص جبران مستقیم کاهش ارزش پول است که در آن شبهه ربای قرضی وجود دارد. برخی راهکارها نیز ارائه شده‌اند که تحت آن سازوکارها می‌توان بدون اصابت به ربا ارزش پول را جبران کرد.

۶- برای نمونه می‌توان به این آرا اشاره کرد:

مسأله ۲۴: اگر سپرده‌گذاران، سپرده‌گذاری خود را در ضمن عقد یا مانند آن، مشروط به قرعه‌کشی کرده باشند و بانک در پی اجرای این شرط دست به قرعه‌کشی بزند، این کار جایز نیست. همچنین گرفتن جایزه از سوی کسی که قرعه‌کشی به نامش درآمده - در صورتی که به صورت وفای به شرط باشد- جایز نیست و بدون آن جایز است (حسینی سیستانی، ۱۴۱۸، مسئله ۲۴).

سؤال ۱۹۸۹: اگر سپردن پول به بانک فرض‌الحسنه به شرط شرکت دادن قرض‌دهنده در قرعه‌کشی جایز نباشد و خود بانک برای تشویق قرض‌دهندگان جوایزی معین کند و قرض‌دهنده، پول را به قصد قرض‌الحسنه بلاشرط بدهد اشکال ندارد، هر چند قرض‌دهنده از برنامه جوایز بانک مطلع باشد (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۸، سؤال ۱۹۸۹).

۷- اگر صندوق قرض‌الحسنه و مسئولان آن به صورت واسطه بین صاحبان وجوه عمل می‌کنند، که به وکالت از آنها، پول آنها را به وام‌گیرنده قرض می‌دهند که وام‌دهنده، صندوق یا مسئول صندوق نباشد، خود صاحب پول باشد، در این صورت صندوق و مسئول آن می‌تواند مبلغ معینی را به صورت حق‌العمل و مخارج کاغذ و غیره از گیرنده وام بگیرد، ولی اگر جوهری که گرفته می‌شود جزو موجودی صندوق و ضمیمه وجوه بودجه اعتبار وامی صندوق می‌شود که طبعاً صندوق هم وام‌دهنده می‌شود. وام دادن به شرط اینکه وام‌گیرنده پول بهای این هزینه‌های صندوق را به صندوق بدهد اشکال دارد و حکم ربا را دارد (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۸، سؤال ۱۹۸۵).

۸- برای مطالعه بیشتر به حبیبیان نقیبی (۱۳۸۲) مراجعه شود.

منابع و مأخذ:

فارسی:

۱. احسانی، محمد علی. (۱۳۸۶). واسطه‌های مالی و رشد اقتصادی در ایران. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
۲. حبیبیان نقیبی، مجید. (۱۳۸۲). انتفاع، معیار ناسازگاری نهاد بانک و نهاد قرض‌الحسنه. مجموعه مقالات سومین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۳. الحر العاملی. (۱۴۰۳). وسایل الشیعه، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۴. خان، محسن و میرآخور، عباس. (۱۳۷۰). مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی. (محمد

ضیائی بیگدلی، مترجم). تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
۵. صدر، سید کاظم. (۱۳۷۴). آثار اقتصادی رفتار و عقد قرض‌الحسنه. مجموعه مقالات ششمین همایش بانکداری اسلامی. تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.

۶. عرب مازار، عباس و کیقبادی، سعید. (۱۳۸۵). جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۲.

۷. فرزین‌وش، اسدالله و شعبانی، احمد. (۱۳۸۱). بررسی عقود در بانکداری اسلامی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

۸. قرآن کریم.

۹. کاشانی، سید محمود. (۱۳۷۶). بررسی حقوقی چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب شهریور ۱۳۶۲، مجموعه مقالات هشتمین همایش بانکداری اسلامی. تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.

۱۰. مجتهد، احمد و حسن زاده، علی. (۱۳۸۴). پول و بانکداری و نهادهای مالی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

۱۱. موسایی، میثم. (۱۳۸۲). ربا و کاهش ارزش پول. تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

۱۲. موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۰). تحریر الوسیله، جلد ۴. قم: دارالعلم.

۱۳. موسویان، سید عباس. (۱۳۸۶). ابزارهای مالی اسلامی (صکوک). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۴. موسویان، سید عباس. (۱۳۸۳). ارزیابی عملکرد سپرده‌های بانکی در بانکداری بدون ربا ایران. مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.

۱۵. میر معزی، سید حسین. (۱۳۸۲). سیستم تجهیز و تخصیص منابع در اقتصاد بدون سود. مجموعه مقالات سومین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

۱۶. میر جلیلی، سید حسین. (۱۳۷۴). ارزیابی بانکداری بدون ربا. تهران: معاونت امور اقتصادی.

۱۷. هادوی‌نیا، علی اصغر. (۱۳۸۷). قرض‌الحسنه و آثار اقتصادی آن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۸. یوسفی، احمد علی. (۱۳۸۱). بررسی فقهی نظریه‌های جبران کاهش ارزش پول. فصلنامه فقه اهل بیت، شماره ۳۰.

۱۹. یوسفی، احمد علی. (۱۳۸۱). ربا و تورم (بررسی تطبیقی جبران کاهش ارزش پول و ربا). قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۰. یوسفی، احمد علی. (۱۳۸۳). راه‌های جبران کاهش ارزش پول در سپرده‌های بانکی. فصلنامه اقتصاد اسلامی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

انگلیسی:

1. Khan, S. & Mirakhor, Abbas. (1987). The Framework and Practice of Islamic Banking in Theoretical Studied in Islamic Banking and Finance Washington D.C: The institute for research and Islamic studies.
2. Muazzam, Ali. (1985). Islamic Banking comes of Age. Journal of Islamic Banking & Finance, 2, (1).